

## بسمه تعالی

سبک زندگی دینی و چگونگی ایجاد و جریان یابی آن در گستره اجتماع

(گزارش نشست علمی در موسسه فرهنگی - هنری آل یاسین در ۹۴/۸/۱۹)

### کلیات و مفهوم

سبک زندگی در تلقی غالب، مجموعه نسبتاً نظام مندی از کنش های مرجح ذهنی و عینی است که فرد (هر عضو جامعه) به اقتضای تیپ روانی، نظام تربیتی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی، خودپنداره، منش، علایق و سلیق، نیازها و انتظارات و نیز با عطف توجه به ظرفیت ها، اقتضانات، فرصت ها و محدودیت های فرهنگی اجتماعی جامعه مسکون خود انتخاب کرده و ترجیح داده است. (به این اعتبار در حوزه روان شناسی اجتماعی است)

سبک زندگی در واقع، نقشه زندگی، سیاست زندگی، چارچوب مرجع، خط راهنما، فرهنگ تبلور یافته است. سبک زندگی در واقع، بخش عینیت یافته، نمایشی و رفتاری فرهنگ است.

تلقی رایج از سبک زندگی در علوم اجتماعی و انصراف آن به حوزه فراغت، مصرف، مد و... عمدتاً به دلیل آن است که در این تلقی، فردبویژه گروههای سنی نوجون و جوان میدان دار گزینش سبک ها از مجموع ظرفیت های محیطی هستند. به بیان دیگر، انتخاب سبک جزو قلمروهای خصوصی فرض شده است. بدیهی است که فرد هم به اقتضای شرایط و موقعیت متغیر و متلونش سبک های مختلف را تجربه می کند. (این تلون مزاجی و تغییر پذیری در ناحیه تجربه فردی است؛ یعنی فرد همواره طبق قواعد الگویی منتخب عمل می کند، منتهی به دلیل تغییر پذیری مستمر حالت مدواره دارند.)

داشتن سبک و قاعده در ساحت های مختلف زندگی امری اجتناب ناپذیر است. اگر در گذشته، سبک به صورت برساختی تعیین می یافتند (=سبک یابی)، اینک بیشتر سبک ها ساخته شده، تعیینی و تجویزی اند. (=سبک سازی) [سخن گیدنز که آن را خاص عصر و زمان مدرن شمرده، به دلیل جنبه های انتخابی و قدرت فرد در این انتخاب است. در گذشته به دلیل تک الگویی بودن غالب و روند کند تغییرات الگویی، سبک به معنای امروزی آن وجود نداشت]

سبک زندگی به لحاظ گستره و شمول تقریباً همه ساحت های زیستی فرد در همه حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ارتباطاتی، زیباشناختی، شخصیتی و همه شؤون زندگی اعم از فردی و اجتماعی،

مادی و غیر مادی، عینی و ذهنی، ثابت و متغیر، فرایندی و شی واره را در بر می گیرد. [به همین دلیل، تعبیر سبک های زندگی مناسب تر از سبک زندگی است]

ویژگی های کلی سبک: زمینه مندی و متن محوری (تعلق به یک اقلیم فرهنگی و محیط اجتماعی خاص در عین داشتن ابعاد جهانشمول که به یمن فرایند جهانی شدن، وجوه مشترک آن در مقیاس جهانی روزمره در حال افزایش است)، منظومه وارگی، عمومیت شمول به همه ساحت های زیستی، هنجاری و تجویزی، راهبری عملی (چون قاعده است)، نمایشی و متظاهرانه (نماد موقعیت و جایگاه اجتماعی فرد است)، هویت بخش و تمایز آفرین (ترسیم کننده مرزهای هویتی)، تغییر پذیر به تبع تغییر موقعیت فرد یا تغییرات ساختاری محیط. البته ممکن است برخی عناصر برغم تغییر اشکال همواره ثابت باشند. به بیان یکی از متفکران، اصل ازدواج به عنوان یک نیاز اصیل همواره ثابت است اگر چه اشکال آن در جوامع مختلف و در یک جامعه در گستره زمان متغیر است.

لازم به ذکر است که تلاش در جهت ترویج الگوهای مقبول و الگومند سازی سطوح مختلف کنش فرد، حسب معیارهای پذیرفته شده و نهادی شده، به معنای یونیفورمازیسیون و یکدست کردن دستوری و تحکمی فرهنگ عمومی و امحاء تنوعات دنیای روزمره نیست.

سبک ها و الگوهای کلان زیستی در حوزه پاسخ دهی ضابطه مند به نیازهای فردی و اجتماعی شناخته شده، خود را در قالب نهادها و ساختارهای اجتماعی متبلور می سازد.

### ضرورت طرح موضوع سبک (در جامعه ایران)

علل و دلایل متعددی طرح موضوع سبک های زندگی در جامعه ایران را ضروری ساخته است: توسعه صنعتی، شهری شدن فزاینده، تفکیک اجتماعی بویژه تحت تاثیر تقسیم کار و آثار ناشی از آن، رشد طبقه متوسط شهری، وفور نسبی امکانات و تنوع محصولات کالایی (اعم از مادی و غیرمادی)، فراغت یابی نسبی ازدغدغه های معطوف به نیازهای ضروری و اولی و امکان یابی طرح خواسته ها، شبه نیازها و نیازهای ثانویه؛ افزایش میل به رفاه جویی و تنوع خواهی لذت طلبانه، تجملی و متظاهرانه و تمایز جویی ناشی از آن؛ افزایش قدرت انتخاب، ارتباطات گسترده با جهان و آشنایی با سبک های زندگی متنوع بویژه از طریق رسانه های جمعی جهانگستر و بروز گونه هایی از اختلاط فرهنگی، رشد خرده فرهنگ های برساختی و بروز نوعی تکثرگرایی فرهنگی، احساس نیاز و مطالبه جمعی مبنی بر ضرورت تحقق یکی از آرمانهای مهم انقلاب اسلامی یعنی استقرار تدریجی حیات طیبه دینی و جامعه اسلامی، مواجهه عملی با الگوهای زیستی فرهنگ سکولارو نیز مقابله با نفوذ و

گستره تهاجم و نفوذ فرهنگی دشمن، ضرورت پایبندی به استقلال فرهنگی کشور و طرد الگوهای زیستی ناهمخوان با محوریت و مرجعیت بنیادهای فرهنگ ایرانی اسلامی، ایفای نقش الگویی برای سایر کشورهای اسلامی و... از جمله مهم ترین عوامل اند.

### پیش نیازهای تحقق این مهم

- احساس مسئولیت جدی دولت اسلامی و نهادهای فرهنگی مسئول به ضرورت اصلاح، ترمیم و توسعه فرهنگی جامعه به عنوان یکی از وعده های مبرم انقلاب اسلامی مبنی بر استقرار همه جانبه فرهنگ و جامعه دینی و پی ریزی تمدن نوین اسلامی به قدر توان.
- شناسایی سبک های زندگی جاری و رایج در جامعه ایران/ جامعه ایرانی اسلامی (تلفیقی از ایرانی باستان، اسلامی و غربی یا سنتی، مدرن و پسامدرن) (این شناسایی به صورت روشمند و با بهره گیری از یافته های نظری علوم اجتماعی و مطالعات میدانی صورت می گیرد)
- پذیرش باورمندانه وجود تمایز بنیادین میان سبک های زندگی دینی با سبک های سکولار (هم به دلیل جهان بینی و فلسفه زندگی مبنایی آنها (یعنی تمایز آنها در مبنای هستی شناختی، ارزش شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و غایت شناختی حاکم)؛ و هم به دلیل آثار کارکردی مترتب بر آنها)
- اعتقاد به ناسازگاری و بلکه تعاند کارکردی سبک های زندگی سکولار با اقتضائات حیات فردی و جمعی مومنان و اهداف و غایات مادی و معنوی منظور ایشان
- باور به امکان و بلکه لزوم سبک سازی و مهندسی آگاهانه سبک ها (سبک سازی تعیینی یا ترجیحی به جای سبک یابی تعیینی یا تغلیبی)
- نقدبینشی، ارزشی، هنجاری و کارکردی سبک های زندگی مدرن و سکولار و اقناع عموم از ناسازگاری آنها با اقتضائات زندگی مومنان در مقیاس های خرد و کلان
- پذیرش باورمندانه دین (اسلام) و نظام ارزشی و هنجاری آن (فقه، اخلاق، عرف متشرعان، سیره عقلایی مورد تایید دین) به عنوان تنها مرجع و منبع معتبر برای اخذ الگوهای زیستی، سامان دهی و مدیریت زیست جهان جمعی
- تلقی حداکثری از ظرفیت های آموزه ای و عمق و غنای محتوایی اسلام برای پوشش دهی به همه ساحت های فردی و اجتماعی (هر چند به صورت ترسیم خطوط کلی (در مقابل تلقی های حداقلی و محدود ساختن رسالت دین به سامان دهی حوزه ارتباط فرد با خدا)

- باور به توان بالقوه مراکز علمی و پژوهشی، مراجع و سیاستگذاران فرهنگی و نهادهای فرهنگ سازجهت استنباط الگوها و سبک های دینی مورد نیاز از متون دینی در پرتو اجتهاد روشمند و فقیهانه(از طریق غور و تأمل در منابع دینی، منابع معرفت دینی، سیره عملی و مشی و مرام بزرگان دین و چهره های شاخص، یافته های علمی و تجربی و بهره گیری توأمان از روش های عقلی، نقلی، تجربی، ذوقی و شهودی)[بدیهی است که منابع دینی دربرخی سطوح منبع استنباط و دربرخی سطوح منبع الهام شمرده می شوند][نیازی به ذکر نیست که در موضوع سبک زندگی به دلیل اقتضائات ویژه منطقه الفراغ بسیار عریض و گسترده ای متصور است که مرزهای آن توسط عقل و شرع تعیین می شوند؛ روشن است که در موضوع سبک زندگی دینی، تفکیک میان عناصر ثابت و عناصر متغیر و اجتهاد پذیرفرهنگ اسلامی ضرورت اجتناب ناپذیر دارد؛ همچنین تفکیک میان محتوا و قالب یا گوهر و صدف و یا مضمون و فرم در الگوهای سبک زندگی دینی در عرصه های مختلف و ضرورت اهتمام به حیثیت اول در مقایسه با دوم، نباید از نظر به دور داشته شود].
- تلاش درجهت زدودن و به حاشیه راندن برخی رسوبات و تلقی های فردگرایانه، سنتی، کلیشه ای و کاریکاتوری از آموزه های بینشی، ارزشی و هنجاری اسلام در ذهنیت عوام و خواص مومنان(که در روند این نوع مطالبات اخلاص ایجاد می کند)
- فعال سازی آرام و تدریجی همه ظرفیت های فرهنگی، انگیزشی، علمی، پژوهشی، تقنینی، سیاستی، مدیریتی، تبلیغی، برای تأمین همه جانبه این مهم
- تلاش درجهت حصول اجماع در سطح نخبگان و سیاستگذاران و بدنه مدیریتی و اجرایی کشور در ضرورت تحقق این مهم
- اقدامات برنامه ریزی شده جهت تأمین توأمان ملزومات پایه ای تحقق این مهم مثل تولید علوم اجتماعی بومی و دینی
- تلاش همه جانبه برای اصلاح ساختارهای موجود[تردیدی نیست که تسلط برخی ساختارهای موجود، خود مانعی جدی در مسیر پذیرش الگوهای سبک زندگی دینی و التزام عملی به عایت آنها است]

#### اقدامات بایسته

- ایجاد مرکزیتی مسئول و هدایت گربا محوریت و مرجعیت شورای عالی انقلاب فرهنگی و مشارکت همه نهادها و سازمانهای مسئول اعم از دولتی، خصوصی و مردم نهاد

- تهیه طرح نامه کلان و یک نقشه جامع مطالعاتی - کاربردی همراه با اولویت بندی و مرحله بندی روند اجرایی این پروژه / پروژه
- شناسایی کارشناسان و واقع بینانه همه ملزومات سخت افزاری و نرم افزاری برای تحقق این مهم
- شناسایی ظرفیت های و امکانات بالفعل مراکز و سازمانهای مسئول
- شناسایی کارشناسان و واقع بینانه محدودیت ها، موانع و عوامل تضعیف کننده و بازدارنده
- ایجاد و اعمال نوعی تقسیم کار الزامی و برنامه ریزی شده میان سازمانهای ذی ربط حسب موقعیت، امکانات، تعهدات و صلاحیت های حرفه ای
- فعال سازی مراکز علمی و پژوهشی علاقمند و دارای صلاحیت حرفه ای و تخصصی جهت مطالعه و تحقیق پیرامون سبک / سبک های زندگی دینی و موضوعات پیرامونی آن
- تعریف و واگذاری پروژه های مطالعاتی مورد نیاز حسب اولویت بندی تشخیصی و متناسب با نقشه جامع ترسیمی (بویژه در بخش کشف ظرفیت های پنهان و سطوح ایده آل فرهنگ ملی مذهبی موجود، ترجمه امروزیین برخی سنت های اصیل، تفسیر متناسب از الگوهای زیستی و سبک زندگی بزرگان دین و چهره های شاخص تاریخی، تبدیل ارزشها به هنجارها)
- بهره گیری از تجربه های سایر کشورها در برنامه های توسعه و تحول فرهنگی
- بهره گیری از ظرفیت های نخبه گانی از طریق برگزاری مصاحبه ها، اقتراح ها، نشست ها، همایش های علمی و کرسی های نظریه پردازی به صورت منظم و برنامه ریزی شده و در راستای تامین ملزومات مطالعاتی و پژوهشی این فرایند و افق گشایی تدریجی.
- تلاش در جهت حصول اجماع و وفاق نخبگانی هر چند به صورت اجمال در سطح مبانی، اصول و اهداف و دست یابی به زبانی مشترک در طرح مفاهیم، دیدگاهها، آرمانها و...
- تدوین تدریجی خطوط کلی و تعیین شاخص های سبک های زندگی دینی در ساحت های مختلف و ارائه آنها در قالب محصولات فرهنگی متنوع مثل مقاله، کتاب، نرم افزار، سایت ها و وبلاگ ها، فیلم، سریال، بازیهای رایانه ای و... متناسب با ذائقه مصرفی عموم.
- تمهید راهبردها و راهکارهای اجرایی منسجم جهت تغییرات تدریجی محیط و عملیاتی کردن برنامه ها [بهره گیری حداکثری از یافته های مدیریت سیستمی و راهبردی در مراحل مختلف مطالعه، سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرا اجتناب ناپذیر به نظر می رسد].
- انجام اقدامات بایسته در مرحله ترویج و تبلیغ یافته ها از طریق جامعه پذیری، فرهنگ سازی، گفتمان سازی، اصلاح ساختارها، انگیزه زایی جهت پذیرش و متقابلا مقابله با موانع و پارازیت های ذهنی،

فرهنگی و محیطی. [بدیهی است که فرایند فرهنگ سازی از مرحله اقناع سازی و تغییرنگرش تا مرحله رسوخ ذهنی و تثبیت نهادی، نیاز به تکرار و تذکار مستمر توام با مدارا و اعطای قدرت انتخاب به افراد دارد].

- فعال سازی همه نهادهای درگیر در چرخه توزیع و درونی سازی قواعد و الگوهای فرهنگی همچون خانواده، آموزش و پرورش، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، رسانه های جمعی، نهادهای مذهبی، محیط های اداری و شغلی و... [بدیهی است که بسترسازی جهت مشارکت حداکثری مردم، شرط لازم برای حصول موفقیت در ایجاد تحولات فرهنگی بنیادین است].
- [در فرایند اجرا] نظارت و کنترل، بازخورد گیری مستمر، شناخت موانع و کاستی ها، جرح و تعدیل قواعد متناسب با ضرورت ها و اقتضائات در پرتو اجتهاد پویا، برخورد با عوامل ناهمسو و اخلال کننده ...

#### توصیه ها و تذکارها

- نیازی به ذکر نیست که تحقق این فرایند در شکل حداکثری و ایده آل آن به دلیل فرهنگی بودن موضوع سبک، نفوذ بی وقفه موج های فرهنگی بیگانه بویژه از طریق رسانه های جهانگستر و پدیده توریسم، ارتباطات میان فرهنگی گسترده جامعه ایران با جامعه جهانی، تنوع ذائقه ها و سلیق، الزامی نبودن تمکین و پذیرش برخی سطوح الگویی، ناهماهنگی ها و اختلاف نظرهای طبیعی عوامل درگیر در حوزه های نظری و عملی، گستردگی و تنوع حوزه های هدف و ساحت های زندگی، تدریجی بودن و به طور طبیعی طولانی شدن فرایند تحقق و... امکان تحقق عینی کامل آن به معنایی که در یک جامعه سنتی و نسبتا بسته فرض وقوع دارد؛ مستبعد است. توجه به این مهم، میزان انتظار از نتایج اجرایی این سنخ تحولات فرهنگی دامن گستر را واقع بینانه می سازد.
- نکته دیگر اینکه محوریت و مرجعیت منابع و میراث فرهنگی دین برای استنباط الگوهای زیستی، لزوما به معنای داشتن مجموعه ای از سبک ثابت و جهانشمول نیست. سبک های زندگی دینی نیز به دلیل انعطاف منابع، ملاحظه جنبه های تربیتی، دخالت دادن اجمالی سلیق و تمایلات فردی، رعایت موقعیت های متنوع فردی مثل سن، جنسیت، شان اجتماعی و...؛ لزوم همسویی با نیازها و اقتضائات زمانی و مکانی (به دلیل ماهیت ابزاری)، راهبری فرد در مسیر نیل به غایات مقصود و... به صورت همنشینی (همزمانی) و جانشینی (در زمانی و تدریجی) می تواند متنوع و در برخی عناصر متغیر باشد.

[بدیهی است که جامعه مومنان خودنیز پس از شناخت خطوط کلی مواضع اسلام، می تواند در راستای تعیین وظیفه و انتخاب الگوی متناسب با وضعیت و موقعیت خود اجتهاد کند].

- دخالت دادن سلیقه ها به معنای تجویز اجتهادهای شخصی بی مبنا نیست؛ چه اولاً در الگوهای دینی به استحسانات ذوق سلیم و تلقی های زیباشناختی با رعایت معیارهایی توجه شده و ثانیاً در فضای فرهنگی جامعه اسلامی، به طور طبیعی سلیقه ها نیز جهت یافته و اشکال انحرافی آن تحت تاثیر رویه های غالب و فشار جمعی مهار می شوند.
- به دلیل اقتضائات ویژه این قبیل تحولات بنیادین، مشارکت جدی کارگزاران فرهنگی در تمام مراحل طرح توصیه می شود. عوامل و نهادهای سیاسی بهتر است با میانجی عوامل و نهادهای فرهنگی در این پروژه ورود کنند.